

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ارزش حجه الوداع در کلام رسول خدا (ص)

بگو با مردم عالم علی کیست

بگو دین جز تولای علی نیست

بگو حکم علی نص کتاب است

بگو خط علی اسلام ناب است

بگو این آیه بر من گشت نازل

نبوت بی ولایت نیست کامل

تویی پیغمبر و حیدر امیر است

تو را غار حرا او را غدیر است

رسالت با ولایت یک کتاب است

یکی ماه است و دیگر آفتاب است

مطلب اول: سفرهای پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به مدینه:

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) بعد از هجرت از مکه به مدینه و استقرار در آن بعنوان پایگاه اسلام، سه بار از مدینه به مکه سفر کردند.

بار اول: در سال هشتم پس از صلح حدیبیه به عنوان عمره وارد مکه شدند و طبق قراردادی که با مشرکین بسته بودند فوراً بازگشتند.

بار دوم: در سال نهم به عنوان فتح مکه وارد این شهر شدند و پس از پایان برنامه ها و برچیدن بساط کفر و شرک و بت پرستی به طائف رفتند و هنگام بازگشت به مکه آمده و عمره بجا آوردند و سپس به مدینه بازگشتند.

بار سوم : در سال دهم هجری به عنوان حجةالوداع بود که حضرت برای اولین بار بطور رسمی اعلام حج دادند تا همه حاضر شوند.

مطلب دوم: قصد پیامبر از سفر آخر به مکه

سفر سوم رسول اکرم از مدینه به مکه دو مقصد داشت:

مقصد اول: بیان مسائل و احکام حج برای مردم به طور کامل

مقصد دوم: بیان مسأله خلافت و ولایت و جانشینی

مطلب سوم: خطبه های پیامبر اکرم صلی الله علیه آله وسلم در موضوع ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام

الف : ایراد خطبه در سرزمین منی، که در واقع زمینه سازی برای جریان غدیر بود در این خطبه حضرت ، اشاره به امنیت اجتماعی مسلمین از نظر جان و مال و آبروی مردم نمودند و سپس مردم را در مورد ارتکاب گناهان در جاهلیت مورد عفو قرار دادند و مردم را از اختلاف بر حذر داشتند بعد تصریح فرمودند : اگر من نباشم علی بن ابیطالب در مقابل متخلفین خواهد ایستاد بعد حدیث ثقلین بر لسان حضرت جاری شد و اشاره فرمودند: از همین اصحاب من روز قیامت به جهنم برده میشوند

نکته جالب: در اینجا وقت بیان خطابه پیامبر ، امیرالمؤمنین علیهماالسلام سخنان حضرت را برای مردم تکرار میکردند تا آنان که دورترند بشنوند

ب: ایراد خطبه در مسجد خیف در منی بود.

در روز سوم از توقف در منی حضرت فرمان دادند تا مردم در مسجد خیف اجتماع کنند در آنجا خطابه ایراد فرمودند و از مردم خواستند که به خاطر بسپارند و فراموش نکنند و به غائبان نیز برسانند

در این خطبه به اخلاص عمل و دلسوزی برای امام مسلمین و تفرقه نینداختن اشاره فرمودند و تساوی همه مسلمانان در برابر حقوق اسلام و قوانین الهی را متذکر شدند سپس مسأله خلافت را بیان فرمودند و حدیث ثقلین را بر لسان جاری ساختند و بار دیگر زمینه را برای غدیر آماده ساختند.

در این مقطع بود که منافقین کاملاً احساس خطر کردند و قضیه را جدی گرفتند و پیمان نوشتند و هم قسم شدند و برنامه های خود را از جمله نقشه قتل رسول اکرم را آغاز نمودند

ج: خطابه مفصل حضرت در غدیر خم

سؤال: شاید کسی بپرسد چرا خطبه سوم را حضرت در خود مسجد الحرام نخواندند آنجا که شرافت ذاتی و عرضی داشت. هم خانه خدا بود هم محل طواف بندگان خدا و هم محل ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام بود

پاسخ:

اولاً: مسجد الحرام همواره در طول تاریخ آستان حوادث و اتفاقات گوناگون بوده مانند واقعه عام الفیل و حمله ابرها و....

اتفاقاتی که بسیاری از آن به دلیل کثرت فراموش شده یا در میان حوادث دیگر کمرنگ شده است

لذا برای اینکه جریان اعلام ولایت و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام هیچوقت فراموش نشود و در لابلای حوادث دیگر کمرنگ و گم نشود آنرا در سرزمین بکر و بی حادثه مطرح میسازد که در تاریخ غیر از جریان اعلام ولایت حضرت، هیچ جریان دیگری در خود ندارد و هروقت نام این سرزمین بر سر زبان جاری میشود فقط به فقط بحث غدیر مولا متبادر به ذهن میگردد.

دوما: در مکه بسیاری از مسلمانان ممکن بود به دنبال معامله و خرید و فروش یا صلح و رحم و دیدار با اقوام خود رفته باشند و برای بیان مطلب ولایت و خلافت حضور نداشته باشند و یا اینها را بهانه و دستاویز قرار دهند که ما آنروز نبودیم و بیرون از مسجدالحرام بودیم

اما در منطقه غدیر خم کسی راه فرار از خطابه رسول اکرم به بهانه تجارت یا صلح و رحم ندارد و این جمعیت حدود بیش از یکصد هزار نفری همه مجبورند بمانند و گوش بدهند و جای دیگری ندارند که بروند و نمی‌توانند بهانه کنند عدم حضورشان را.

سوما: عده زیادی از مسلمین غیر از اهل مدینه در این چهارراهی خداحافظی کرده از بقیه جدا میشوند تا به بلاد خود بروند و دیگر تا مدینه با پیامبر اکرم همراه نمیگردند لذا اگر بنا باشد این تعداد کثیر یک خاطره از همراهی با پیامبر اکرم بودن را تعریف کنند معمولاً آخرین خاطره فوراً به ذهن متبادر میگردد و آخرین خاطره، خاطره خطبه رسول اکرم در غدیر خم با موضوع نصب امام و جانشین میباشد.

(مثال: اگر بنا باشد خاطرات یک سفر زیارتی ده روزه را از اولین روز تا دهمین روز نوشته و داخل پاکتی بریزید سفر که تمام شد برای مراجعه به آرشیو خاطرات وقتی دست در آن پاکت میکنید اولین خاطره که به دست شما میرسد آن آخرین خاطره یعنی خاطره روز دهم است.

لذا وقتی مسلمانان خاطرات سفرهای همراه پیامبر اکرم را در آرشیو مغزی خود نوشته و نگهداری مینمایند وقت مراجعه خاطره آخرین، فوراً رو قرار گرفته و مقابل چشمان ظاهر میگردد و بیان میگردد آن خاطره جریان غدیر خم است.)